*مطالعات تاریخ اسلام*
*سال ششم/ شمارهٔ ۲۰/ بهار ۱۳۹۳*

# تحلیلی بر مناسبات سیاسی حکومت بنی‌عمار با سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون

سید ابوالقاسم فروزانی[۱]
لیدا مودت[۲]

**چکیده:** در نیمهٔ دوم سدهٔ پنجم هجری، بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه منجر شد. از برجسته‌ترین این حکومت‌ها دولت بنی‌عمار در طرابلس بود. امرای بنی‌عمار با سیاستی کارآمد نسبت به فاطمیان و سلجوقیان موفق شدند استقلال خود را حفظ و حکومت خود را تثبیت کنند. مقاومت ده‌سالهٔ بنی‌عمار در برابر صلیبیون با سیاست مدارا با آنان محقق شد. سرانجام عدم حمایت حکومت‌های مسلمان از بنی‌عمار و شورش داخلی در طرابلس منجر به سقوط این شهر در برابر صلیبیون گردید. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی درصدد است به مناسبات سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون بپردازد.

**واژه‌های کلیدی:** بنی‌عمار، طرابلس، سلجوقیان، فاطمیان، صلیبیون

---

۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز foroozani_s_a@yahoo.com
۲ دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز lidamavadat@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۲/۱۱/۰۷

# Analysis of the Banu Ammar political relations with the Seljuks, Fatimids and the Crusaders

Seyyed Abolghasem Forozani[1]
Lida Mavaddat[2]

**Abstract:** In the second half of the fifth century AH, The political and economic crises in the Fatimid Khalifat and their conflicts with the Seljuks in Sham led to the establishment of local governments in the region. The most prominent of these governments was the Banu Ammar state government in Tripoli. Banu Ammar governors whose policies were more efficient than the Fatimids' and the Seljuks' managed to maintain their independency and establish their self-government. Banu Ammar's ten-year resistance to the Crusaders was achieved by virtue of their tolerant policies. Finally, the lack of Muslim governments' support for Banu Ammar, along with internal rebellions in Tripoli led to the fall of the city against the Crusaders. This study by applying the library method and making use of original sources deals with this government's attitudes towards and its political relations with the Seljuks, Fatimids and the Crusaders.

**Keywords:** Banu Ammar, Tripoli, Seljuks, Fatimids, Crusaders

1 Associated Professor of History in Shiraz University foroozani_s_a@yahoo.com
2 Ph.d Student of History in Shiraz University lidamavadat@gmail.com

## مقدمه

منطقهٔ شام برای فاطمیان و سلجوقیان در سدهٔ‌های پنجم و ششم هجری، دارای اهمیت بـه سـزایی بود؛ به ویژه شهر طرابلس به لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی، سیاسی و تجاری در حوزهٔ شرقی دریای مدیترانه برای این حکومت‌ها قابل توجه بود. بدین ترتیب حکومت‌ها درصدد بودند بر این شـهر مسلط شوند، از این رو پایداری این شهر توسط امیران بنی‌عمـار قابـل تأمـل اسـت. اهمیـت ایـن پژوهش در آن است که حکومت بنی‌عمار در سدهٔ پنجم هجری روابط تأثیرگذاری با حکومت‌های سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون داشت. هرچند این حکومت بیش از چهل سال دوام نیافت؛ اما از جمله مؤثرترین حکومت‌ها در سدهٔ پنجم هجری در منطقهٔ شام به شمار می‌آید.

مسئلهٔ اساسی این پـژوهش، تحلیلـی بـر عملکـرد و اقـدامات امـرای بنـی‌عمـار در برابـر سلجوقیان، فاطمیان و صلیبیون است. فرضیهٔ تحقیق بر این امر استوار است که امرای بنی‌عمـار موفق شدند با ضعف قدرت سیاسی و اقتصادی فاطمیان و منازعـات سـلجوقیان و فاطمیـان در منطقهٔ شام، حکومت خود را در طرابلس بنیان نهند. امرای این حکومت با سیاست‌های واقـع بینانه با دفع حملات سلجوقیان و فاطمیان به تثبیت حکومـت خـود پرداختنـد. امـا راهبـرد امرای طرابلس در برابر صلیبیون در دراز مدت مؤثر واقع نگشت.

## شمه‌ای دربارهٔ پیشینهٔ بنی‌عمار

بنی‌عمار خاندانی شیعه مذهب بودند.[۱] برخی این خاندان را از قبیله طیء[۲] و برخی آن‌ها را از قبیله افریقایی کُتامـه[۳] مـی‌داننـد. در دورهٔ فاطمیـان بـرای نخسـتین‌بـار، افـرادی از بنـی‌عمـار منصب‌های مهمی را در مصر و شام عهده‌دار شدند. نام ابومحمدحسن‌بن‌عمار[۴] برای نخستین‌بار در حوادث ۳۵۱هـق به عنوان فرمانده لشکر المُعزلدینالله(۳۴۱-۳۶۵ هـق) خلیفه فاطمی دیـده

---

۱ ابن‌خیاط(۱۹۵۷م)، *دیوان ابن‌خیاط*، تحقیق خلیل مردم بک، دمشق: المجمع‌العلمی‌العربی، صص۴۹، ۸۳.

۲ ابن‌خیاط، همان، ص۹۱. ابن‌خیاط در مدحیات خود به امرای بنی‌عمار، آن‌ها را از قبیله طی می‌داند.

انـامت فی الغمود سیـوف طیء ام انـقطعت مـتون المـرهفـات

زاکی العروق له من طیء حـسب لوکان لفظاً لکان النظم و الخـطبا

۳ ابوالعباس‌شمس‌الدین‌احمدبن‌خلکان(۱۹۴۸م)، *وفیات الاعیان و انباءابناءالزمان*، تحقیق، محمدمحی‌الدین عبدالحمیـد، ج۲، قاهره: [بی‌نا]، ص۲۰۱. ابن‌قلانسی و انطاکی داستانی را از تحریک قبیله کُتامه توسط ابن‌عمـار بـه عنـوان رهبـر این قبیله نقل می‌کنند. یحیی‌بن‌سعیدانطاکی(۱۹۹۰م)، *تاریخ انطاکی(معروف به صـلهٔ تـاریخ اوتیخـا)*، تحقیـق عمـر تدمری، طرابلس: [بی‌نا]: ص۲۴۰؛ ابویعلی حمزةابن‌قلانسی(۱۹۰۸م)، *ذیل تـاریخ دمشـق*، تصـحیح آمـدروز، بیـروت: المکتبة الکاتولیکیه. صص۴۴-۵۰.

۴ ابن‌خلکان، همان، ج۵، ص۳۷۴؛ ابن‌صیرفی(۱۹۲۴م)، *الاشارة الی من نال الوزارة*، قاهره: تصحیح عبدالله مخلص، ص۲۶.

می‌شود. وی در زمان العزیزبالله (۳۶۵-۳۸۶هق) پسر و جانشین المُعزلـدین الله، شـیخ قبیلـه و بزرگ کاتبان خلیفه به حساب می‌آمد.[۱] ابن‌عمار در سال ۳۸۳ هق به مـدت دو مـاه وزارت داشت و مأمور نظارت بر مظالم، تدبیر اموال و حسابرسی دیوانیان بـود.[۲] پـس از درگذشـت العزیزبالله، ابن‌عمار به دستور جانشین و پسر او، الحاکم‌بامرالله، هم‌چنان در مقـام خـود بـاقی ماند و برای نخستین‌بار لقب امین‌الدوله گرفت.[۳] قدرت امین‌الدوله تا حـدی پـیش رفـت کـه موفق شد منجوتکین، والی دمشق (۳۸۱-۳۸۶هق) را شکست داده و اداره آن شهر و شـهرهای ساحلی شام از جمله طرابلس را به دست گیرد.[۴]

## تأسیس حکومت بنی‌عمار در طرابلس

پس از ابومحمد حسن افراد از خاندان بنی‌عمار از سوی خلیفه فاطمی حکومت طرابلس را در دست داشتند؛[۵] اما نخستین بارقه‌های استقلال‌طلبی بنی‌عمار از فاطمیان در زمان ابوطالب امین الدوله‌بن‌عمار[۶] به وجود آمد.[۷] امین‌الدوله برای کسب قدرت و نفوذ بیشتر در منطقه شام دست به اقداماتی زد:

با عدم اطاعت محمود مرداسی حاکم حلب از خلیفـه مستنصـر فـاطمی(۴۲۷-۴۸۷ هق)، امین‌الدوله در سال ۴۵۹ق با وساطت میان آن دو موفق شد اوضاع را بهبود بخشـد. ایـن اقـدام وی حاکی از جایگاه و نفوذ وی در منطقهٔ شام است.[۸] علاوه بر این وی با افزودن شـهر جُبَیـل

---

۱ ابن‌قلانسی، همان، صص ۲۰، ۴۴؛ ابن‌خلکان، همان، ج۵، ص۳۷۴.

۲ تقی‌الدین‌احمدبن‌علی‌مقریزی(۱۳۷۸ق/ ۱۹۶۷م)، *إتعاظ الحنفاء بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، ج۱، قاهره: تصـحیح جمال الدین شیال، صص۲۷۷، ۲۹۳.

۳ محمدبن‌حسین ابوشجاع رودراوری(۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م)، *ذیـل تـاریخ تجـارت الامـم*، مصـر: تصـحیح آمـدروز. ص۲۲۲؛ انطاکی،همان، صص۲۳۷-۲۳۸.

۴ انطاکی، همان، صص۲۳۸-۲۴۰.

۵ همان‌جا.

۶ ابوطالب‌امین‌الدوله نخستین فرد از بنی‌عمار است. امین‌الدوله در ابتدا از خلیفـه فـاطمی اطاعـت و در سـرکوبی قیـام بنی‌ابی‌الفتح در سال ۴۵۷ هق او را یاری کرد. عزالدین‌ابوعبدالله‌محمدبن‌علی‌ابنشداد(۱۹۶۲م)، *الاعلاق الخطیـرة فـی ذکر امراء الشام و الجزیرة*، تحقیق سامی دهان، دمشق: [بی‌نا]، ص۱۰۷. و از میان محققین متأخر، محمدکردعلی نیـز مؤسس بنی‌عمار را امین‌الدوله ابوطالب می‌داند که در حدود سـال۴۴۰ق و در زمـان مستنصـر فـاطمی بـه تأسـیس حکومت پرداخت. محمدکردعلی(۱۳۴۳ق)، *خطط الشام*، ج۶، دمشق: [بی‌نـا]: ص۱۹۱. سـوبرنهایم مستشـرق، زمـان تأسیس حکومت توسط ابن‌عمار را نیمهٔ سدهٔ پنجم هجری می‌داند. دایرةالمعارف‌الاسلامیة[بی‌تا]، مـدخل بنـی‌عمـار، ترجمهٔ جمعی از اساتید، قاهره: [بی‌نا]، ص۳۵۳.

۷ ابوالفرج‌ابن‌جوزی(۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، ج۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص۱۰۲.

۸ ابن‌تغری‌بردی(۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج۵، قاهره: وزارة الثقافة و الارشـاد القـومی، ص۷۹؛ ابوالمظفر سبط ابن‌جوزی(۱۳۵۱ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*. حیدرآباد دکن: [بی‌نا]، ص۱۳۳.

به قلمرو بنی‌عمار قدم‌های دیگری در راستای استقلال طلبی برداشت.[۱]

لازم به یادآوری است امین‌الدوله با آگاهی از برتری سیاسی و نظامی سلجوقیان در منطقهٔ شام، زمانی که آلب‌ارسلان سلجوقی در سال ۴۶۳ق وارد حلب گردید، هیأتی را نزد وی فرستاد تا بدین‌ترتیب با نزدیکی به سلجوقیان از فاطمیان اعلام استقلال کند.[۲] بنابراین سال ۴۶۳ق نقطهٔ عطفی در حکومت بنی‌عمار طرابلس به حساب می‌آید. لذا سال تأسیس این حکومت را در این مقطع زمانی می‌دانند.[۳]

امین‌الدوله در میان مشکلات فراوانی که در سرزمین شام وجود داشت، سعی داشت قلمرو گسترده‌ای در ساحل شام را تصاحب کند. همچنین با سیاستی مدبرانه بین دو دولت فاطمی و سلجوقی توانست حکومت طرابلس را به رغم جدایی از فاطمیان و تهدیدات گوناگون حفظ کند. وی علاوه بر نگهداری از مرزهای حکومت جدید خود و عمران و آبادانی آن، اهتمام ویژه‌ای به مسائل فرهنگی داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات وی در این زمینه، تأسیس دارالعلم طرابلس است که در زمان خود به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام تبدیل شد. امین‌الدوله در سال ۴۶۴ق درگذشت. مورخان امین‌الدوله را به دلیل عدل و بخشش، حمایت از علویان، خردمندی و فقاهت ستوده‌اند.[۴]

## تثبیت و گسترش حکومت بنی‌عمار

پس از وفات امین‌الدوله، میان افراد این خاندان یعنی برادرزاده‌اش جلال‌الملک‌ابوالحسن‌علی‌بن‌محمدبن‌عمار،[۵] برادر او، ابوالکتائب‌احمدبن‌محمد و تنها پسر خردسال امین‌الدوله، محمد ملقب به ابوالمناقب‌شمس‌الملک[۶] نزاع شدیدی بر سر حکومت درگرفت. سرانجام جلال‌الملک به

---

۱ المقریزی، همان، ج۳، ص۷۸؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۷۱.

۲ کمال‌الدین‌ابوالقاسم‌عمربن‌احمدابن‌عدیم(۱۹۷۶م)، *بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا: جمعیة‌التاریخیة‌الترکیة، چاپ علی سویم، ص۲۳.

۳ ابن‌عدیم، همان، ص۲۳.

۴ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۷۱؛ اسماعیل‌بن‌علی‌ابوالفداء(۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م)، *المختصر فی اخبار البشر: تاریخ ابوالفداء*، ج۴، بیروت:. ص۹۷؛ ابن‌فرات(۱۹۳۹م)، *تاریخ*، بیروت: چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین، ج۸، ص۷۷؛ ابوالفرج‌ابن‌جوزی(۱۴۱۲ق)، همان، ج۱۲، ص۱۳۸؛ ابن‌شداد(۱۹۶۲م)، همان، ج۲، ص۱۰۷.

۵ ابن‌اثیر(۱۳۹۹ق)، همان، ج۱۰، ص۷۱؛ ابن‌خلدون(۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م)، *تاریخ ابن‌خلدون المُسمّی دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، ج۵، بیروت: تصحیح خلیل شحاده و سهیل زکار. ص۴۶۱.

۶ ابن‌خیاط، همان، صص۴۹، ۸۳، ۹۱.

همراهی سدیدالملک‌علی‌بن‌منقذ[۱] موفق گردید بر دیگر رقیبان غلبه نماید.[۲]

جلال‌الملک علاوه بر حفظ استقلال خود و مقاومت در برابر سلجوقیان و فاطمیان، به گسترش مرزهای حکومت خود نیز مبادرت ورزید. وی پس از آگاهی از ضعف و ناتوانی رومیان در سال ۴۶۹ق قلعه جبله را که در دست بیزانس بود، تصرف نمود.[۳] با این اقدام، امارت طرابلس از شمال تا جبله و از جنوب تا جونیه گسترش یافت.[۴]

جلال‌الملک فرد باتدبیر و با درایتی بود که به عنوان بزرگ‌ترین فرمانروای بنی‌عمار شناخته می‌شود. وی علاوه بر کیاست در سیاست مدبرانه‌اش در قبال سلجوقیان و فاطمیان، در عین حال به عمران و گسترش حکومت خود توجه ویژه‌ای داشت.[۵] بدین‌ترتیب وی با چنین سیاستی توانست به مدت ۲۸سال در طرابلس حکومت کند.[۶] سرانجام در ۴۹۲ق از دنیا رفت.[۷]

## مناسبات سیاسی بنی‌عمار با سلجوقیان:

یکی از جریان‌های عمده در سیاست خارجی سلجوقیان گسترش و بسط متصرفات به طرف غرب بود. دشمن اصلی سلجوقیان، فاطمیان در غرب حضور داشت. در ضمن آلب‌ارسلان و ملکشاه نگران گسترش قدرت ترکمانان بودند. از این رو آنان ترکمانان را به مرزهای غربی هدایت کردند؛ تا از این طریق بتوانند مزاحمت آن‌ها را از سرزمین‌های تحت تابعیت خود

---

۱ امیران بنی‌منقذ در قلعه شیزر واقع در منطقه شام از سال ۴۷۲ق تا ۵۵۲ق حکومت داشتند. ابن‌تغری‌بردی (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، همان، ج۵، ص۱۲۴؛ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۱۴.

۲ سدیدالملک‌بن‌منقذ پیش از این به واسطه ترسش از امیر محمودبن‌صالح مرداسی، حاکم حلب، از حلب گریختهبه طرابلس پناه برده بود. او به هنگام مرگ امین‌الدوله مهیای سفر به مصر بود؛ اما به کمک جلال‌الملک شتافت و با غلامان خود و گروهی از مردم کفرطاب که با او بودند، به یاری او برآمد. ابن‌حیوس(۱۹۵۱م)، *دیوان ابن‌حیوس*، تحقیق خلیل‌مردم‌بک، دمشق: المجمع‌العلمی، ص۸۴. ابن‌عدیم می‌نویسد: «جلال‌الملک وی را در حکومت طرابلس شرکت داد تا جایی که جایگاهی همانند خود وی در حکومت طرابلس یافت». ابن‌عدیم‌حلبی(۱۹۶۸-۱۹۴۵م)، *زبدةالحلب فی کتاب حلب*، تحقیق سامی دهّان، دمشق: معهد الفرنسی، ج۲، ص۳۵.

۳ ابن‌اثیر(۱۳۹۹ق)، همان، ج۱۰، ص۳۱۰. و ابن‌تغری‌بردی معتقد است که جلال‌الملک در سال ۴۷۳ق به جبله دست یافت. ابن‌تغری‌بردی، همان، ج۵، ص۱۱۱.

۴ ابن‌عساکر[بی‌تا]، *تاریخ‌مدینة دمشق*، دمشق: مجمع‌العلمی،ج۳۷،ص۳۹۱؛ابن‌جوزی،همان،ج۱۲،ص۱۷۰؛ ابن‌تغری‌بردی، (۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، همان ، ج۵، ص۱۱۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۳۱۰.

۵ ابن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۱۳۸.

۶ ابن‌اثیرهمان، ج۱۰، ص۷۱؛ ابوالعباس‌احمدبن‌علی‌قلقشندی(۱۹۶۴م)، *مآثرالأنافة فی معالم الخلافة*، تحقیق عبدالستاراحمد فرّاج، ج۱، کویت، ص۳۴۵.

۷ ابن‌فرات(۱۹۳۹م)، همان، ج۸، ص۷۷.

کم کنند. همچنین به گسترش و بسط متصرفات خود از این طریق اقدام کنند و قدرت خود را به همسایگان غربی یعنی فاطمیان و بیزانس نشان دهند.[۱]

عدم یکپارچگی در شام موجب حضور و نفوذ سلجوقیان در این منطقه گردید. نزاع و درگیری بنی‌مرداس با فاطمیان فرصت مناسبی برای ترک‌های سلجوقی بود تا در صحنهٔ سیاست سرزمین شام، خود را نشان دهند و بر نفوذ فاطمیان در این مناطق خاتمه دهند.

ابوطالب امین‌الدوله، نخستین امیر مستقل بنی‌عمار برای تثبیت قدرت‌اش به سلجوقیان نزدیک شد. همان طور که در سطور گذشته ذکر گردید، وی در سال ۴۶۳ق هیأتی نزد آلب-ارسلان‌سلجوقی به حلب فرستاد. در این زمان آلب‌ارسلان برای تصرف حلب راهی این منطقه بود. با توجه به موقعیت سیاسی و تجاری طرابلس سلطان سلجوقی هیأتی به همراه یکی از دبیران‌اش به نام ابن‌جابربن‌سقلاب‌موصلی به منظور نفوذ در حکومت بنی‌عمار به این شهر اعزام کرد.[۲] در نتیجه این نزدیکی و با آلب‌ارسلان از حلب، شمار زیادی از ترکمانان از اطاعت آلب ارسلان خارج شدند. عده‌ای از آنان در شام و شماری در طرابلس ساکن گردیدند. در نتیجه طرابلس مورد تهاجم ترکمانان قرار گرفت که امین‌الدوله موفق گردید شهر را از هجوم آنان حفظ نماید.[۳]

پس از مدتی در زمان امارت جلال الملک، اتسز از سرداران سلجوقی، نواحی از شام ازجمله حلب[۴] و دمشق[۵] در سال ۴۶۸ق تصرف نمود.[۶] و خطبه در دمشق از نام مستنصر خلیفهٔ فاطمی به خلیفهٔ عباسی، المقتدربامرالله تغییر یافت.[۷] با تصرف دمشق به دست اتسز[۸] و قحطی در آن شهر بسیاری از مردم دمشق به سوی طرابلس کوچ کردند.[۹] اتسز پس از تسلط بر دمشق به سوی طرابلس حرکت کرد؛ اما با مقاومت جلال‌الملک مواجه شد و ناچار به عقب نشینی گردید.[۱۰] در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت، حملات همزمان آلب ارسلان

---

1 Wittek,p(1996), *The Rise of the Ottoman Empire*, Great Britain, pp. 18-19.

۲ ابن‌عدیم، بغیةالطلب فی‌تاریخ حلب، ص۲۳.

۳ ابن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۱۳۴.

۴ همان، ج۱۲، ص۱۶۰.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۰۸.

۶ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۶۸.

۷ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۰۹؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۱۰۰.

8 Philip K. Hitti(1959), *Syria, A Short History*, Macmillan & Coltd, London,p.175.

۹ ابوالحسن‌علی‌بن‌حسن‌ابن‌عساکر(۱۳۳۱ق)، *تهذیب‌التاریخ‌الکبیر*، تحقیق عبدالقادر بدران، ج۴، دمشق: [بی‌نا]، ص۳۵۶.

۱۰ ابن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۱۶۰.

و اتسز به شام، حاکی از ضعف فزایندهٔ سیاسی و اقتصادی فاطمیان در شام و گسترش نفوذ سلجوقیان به این منطقه است.

ملکشاه سلجوقی پس از کسب قدرت، شام را به برادرش، تتش اقطاع داد.[۱] تتش و سپاهیان‌اش وارد شام شدند و حلب را محاصره کردند.[۲] در سال ۴۷۱ق طرابلس به دلیل اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی از جهت شمال از سوی سلجوقیان[۳] و از سمت جنوب از سوی فاطمیان مورد حمله قرار گرفت.[۴] جلال الملک با استفاده از فرصت و با تقدیم هدایایی به ترکان سلجوقی موفق شد از آنان علیه فاطمیان استمداد جوید.[۵]

در نتیجهٔ این سیاست، تتش از طرابلس منصرف شد و در سال ۴۷۴ق نسبت به فتح طرطوس و چند قلعهٔ اطراف آن اقدام کرد[۶] و از جلال‌الملک درخواست کرد تا یک قاضی و خطیب به آن جا بفرستد.[۷] این اقدام نشان از نفوذ بنی‌عمار در مناطق ساحلی شام است.

نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره نمود، این است که جلال الملک با اتخاذ سیاست‌های راهبردی توانست با حفظ استقلال در مقابل دو قدرت بزرگ آن‌برهه از زمان – سلجوقیان و فاطمیان– بر حفظ حکومت بنی عمار تلاش نماید. وی با آگاهی از این که اکثر مردم طرابلس گرایشات مذهبی به سوی فاطمیان دارند و این مسئله می‌تواند محرکی برای شورش اهالی علیه بنی‌عمار باشد، همواره مراقب بود تا نزدیکی به سلجوقیان به وابستگی سیاسی تبدیل نشود و تقرب وی بیشتر از طریق ارسال هدایا بود.

اصرار سلجوقیان به تصرف بر حلب[۸] و دمشق[۹] منحصر نمی شد؛ بلکه خواستار تسلط بر سواحل شام به ویژه شهر بندری طرابلس بودند تا از این طریق دولت فاطمی مصر را تحت فشار قرار دهند. در سال ۴۸۵ق سپاهیان تتش و آق‌سنقر، به همراهی بوزان، حاکم رها و یغی‌سغان، حاکم انطاکیه به دنبال پیروی از دستورات سلطان ملکشاه و برای استیلاء بر سرزمین‌های

---

۱ ابن‌عدیم، همان، ج۲، صص۵۵-۵۷.
۲ همان‌جا.
۳ ابن‌عدیم، زبدة الحلب، ج۲، ص۶۵.
۴ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۱۲؛ طباخ‌حلبی، همان، ج۱، ص۳۰۹.
۵ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۱۲.
۶ همان، ص۱۱۵؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۱۲۱.
۷ ابن‌تغری‌بردی،همان، ج۵، صص۱۱-۳۵، ۱۱۵.
۸ ابن‌عدیم، همان، ج۲، ص۷۰.

9 Philip K. Hitti(1959),*Syria, A Short History*, p.175.

ساحلی شام و مصر اعزام شدند. ابن‌اثیر می‌نویسد:«ملکشاه سلجوقی به برادرش تتش و آق‌سنقر دستور داد تا مناطق ساحلی شام را که در اختیار مستنصر فاطمی بود، تصرف کنند».[۱]

لشکر متحد سلجوقی، طرابلس را به محاصره درآورد. در چنین شرایطی جلال‌الملک که یارای مقاومت با سپاهیان سلجوقی را نداشت، به حیله متوسل گردید. در آغاز جلال‌الملک به تطمیع فرماندهان سپاه تتش پرداخت، اما کاری از پیش نبرد. پس از آن یکی از سرداران آق‌سنقر به نام زرین‌کمر را تطمیع نمود. جلال الملک سی‌هزاردینار از طریق زرین کمر برای انصراف آق‌سنقر از حمله به وی تقدیم نمود.[۲] در نتیجه آق‌سنقر از همراهی تتش امتناع و به سوی حلب عقب‌نشینی کرد. در همین برهه تتش نیز بعد از جدایی آق‌سنقر، از محاصرهٔ طرابلس دست کشید و به دمشق بازگشت. بدین ترتیب تصرف طرابلس به انجام نرسید.[۳]

حملهٔ سلجوقیان به طرابلس حاکی از عدم وابستگی مطلق بنی‌عمار به آنان است. برخی از محققین دلیل حمله سلجوقیان به طرابلس را در گرایش بنی‌عمار به فاطمیان می‌دانند؛ دلیل چنین اعتقادی ضرب سکه در طرابلس به نام مستنصر فاطمی در سال ۴۷۵ق است.[۴] در این خصوص باید به نکته‌های دیگری نیز توجه داشت. از طرفی اگر بنی‌عمار به فاطمیان گرایش داشت، فاطمیان در سال ۴۸۲ق جبیل – که در اختیار بنی‌عمار بود– را از تصرف ایشان خارج نمی‌ساختند. از طرف دیگر ضرب سکه به نام خلیفهٔ فاطمی حاکی از گرایش و وابستگی بنی‌عمار به فاطمیان نیست؛ زیرا ضرب سکهٔ فاطمی در طرابلس از زمان استقلال‌شان و در عهد امین‌الدوله امری عادی بود. چه بسا یکی از اهداف بنی‌عمار از ضرب سکه فاطمیان رونق اقتصادی باشد؛ زیرا طرابلس شهری بندری و تجاری بوده و سکه فاطمیان می‌توانست به رونق اقتصادی آن ناحیه کمک شایانی کند.

## مناسبات سیاسی بنی‌عمار با فاطمیان

همان‌طور که در سطور گذشته ذکر گردید، در ابتدا امین الدوله در خدمت خلیفه فاطمی بود و از

---

۱ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۲۰۲.

۲ همان، ج۱۰، صص۲۰۲-۲۰۳.

۳ جمال‌الدین‌محمدبن‌سالم‌ابن‌واصل(۱۹۶۰م)، *مفرّج‌الکروب‌فی‌اخبار‌بنی‌ایوب*، تحقیق جمال‌الدین شیّال، ج۱، قاهره: [بی‌نا]، صص۲۱-۲۲.

۴ عبدالمنعم‌ماجد(۱۹۶۰م)، *الامام المستنصر بالله الفاطمی*، قاهره: [بی‌نا]، ص۱۸۴. این سکه‌ها در حفاری‌های باستان‌شناسی به دست آمده است.

سوی خلیفه به عنوان والی طرابلس منصوب گردید؛[۱] اما با ضعف روزافزون دستگاه خلافت فاطمی از یک سو و به قدرت رسیدن بدرالجمالی به منصب وزارت مستنصر فاطمی و نزاع وی با امیر بنی عمار از سوی دیگر، امین الدوله با نزدیکی به سلجوقیان از اطاعت فاطمیان خارج شد.[۲]

فاطمیان بعد از اعلام استقلال بنی‌عمار در طرابلس با جنگ و توطئه درصدد بودند تا بار دیگر این ناحیه را به قلمرو خود ضمیمه کنند. هرچند امرای بنی عمار برای عدم تحریک آنان اقداماتی را انجام دادند؛ اما حملات متعددی را از سوی فاطمیان متحمل شدند.

بدرالجمالی، وزیر مستنصر فاطمی در سال ۴۶۸ق برای جلال‌الملک توطئه‌ای طراحی نمود. بدرالجمالی بزرگان طرابلس را تحریک و تطمیع کرد که در صورت دستگیری جلال-الملک، حکومت نصیب آنان گردد. وی از توطئه و نقشه‌ای که بدرالجمالی علیه او طراحی کرده بود، آگاه شد. امیر بنی عمار پس از اطلاع از این توطئه، مخالفان را از میان برد.[۳]

جلال‌الملک در تعامل با فاطمیان نیز با هوشمندی و درایت عمل کرد. لازم به ذکر است، جلال‌الملک برای نفوذ بیشتر در منطقهٔ شام، با دختر حصن‌الدوله حیدرةبن‌منزو کتامی، امیر دمشق، ازدواج کرد.[۴] وی قصد داشت با این ازدواج سیاسی در جهت تثبیت هر چه بیشتر حکومت‌اش قدم بردارد. برادر زن او، مُعَلّی‌بن‌حیدره در سال ۴۶۱ق علیه فاطمیان قیام نمود. با اعزام سپاه فاطمیان، وی به طرابلس گریخت تا از حمایت جلال‌الملک برخوردار شود؛ اما جلال‌الملک برای اجتناب از دشمنی فاطمیان، معلی را در سال ۴۷۲ق به ایشان تحویل داد.[۵]

فاطمیان در جهت بازگرداندن طرابلس به قلمرو خود در سال‌های ۴۷۱ق و ۴۸۲ق دست به حملاتی علیه بنی عمار زدند. هجوم فاطمیان در سال ۴۷۱ق ناموفق بود،[۶] اما در سال ۴۸۲ق لشکر فاطمیان به فرماندهی ناصرالدوله جیوشی به سرزمین‌های ساحلی شام مثل عکا، صیدا و صور نفوذ کرد. در این مرحله وی توانست جبیل را به طور موقت از دست بنی‌عمار خارج کند؛[۷] اما این حمله بدون پیشروی به سوی طرابلس ناتمام ماند.

---

۱ ابن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۱۰۲.
۲ المقریزی، اتعاظ‌الحنفاء، ج۳، ص۷۸؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۷۱.
۳ ابن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۱۶۰؛ ابن‌تغری‌بردی، همان، ج۵، ص۱۱۱.
۴ ابن‌عساکر [بی‌تا]، همان، ج۴۳، ص۴۵۱.
۵ محمدبن‌احمدذهبی [بی‌تا]، *تاریخ‌الاسلام و طبقات‌المشاهیر و الاعلام*، قاهره: تصحیح حسام‌الدین‌قدسی، ج۳۲، ص۳۸۷؛ ابن‌قلانسی، همان، ص۹۶.
۶ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۱۲؛ طباخ‌حلبی، همان، ج۱، ص۳۰۹.
۷ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۲۰.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکومت بنی عمار رشد و بالندگی بسیاری یافت تا آن جا که طرابلس در سدهٔ پنجم هجری به بزرگترین شهر در امتداد ساحل شرقی دریای مدیترانه تبدیل شد و ناوگان‌های این شهر در نقاط مختلف دریا رفت و آمد می‌کردند، به طوری که طرابلس به شاهراه دریایی شام مبدل گشته بود و علی رغم تلاش‌های نافرجام سلجوقیان و فاطمیان برای تسلط بر این شهر بندری، امیران بنی‌عمار موفق شدند استقلال خود را حفظ نمایند.

## رویارویی صلیبیون با بنی‌عمار

در سدهٔ پنجم هجری در آستانهٔ حمله صلیبیون، اوضاع سیاسی جهان اسلام آشفته بود و حکومت‌های مسلمان با یکدیگر اتحاد نداشتند. کشمکش میان حکومت‌های مسلمان در منطقهٔ شام نمود بیشتری داشت. در این منطقه امیران و خاندان‌های متعددی با یکدیگر در جنگ و ستیز بودند.[۱]

در طرابلس فخرالملک ابوعلی[۲] پس از مرگ برادرش جلال‌الملک در دوران جنگ‌های صلیبی –که از سال ۴۹۱هق دامنه آن به شام کشیده شده بود– به امارت این شهر رسید.

پیش درآمد رویارویی صلیبیون با بنی عمار در تصرف شهر جبله است. جبله در سال ۴۸۵ق از دست جلال‌الملک خارج شده و ابن‌صلیحه که به سلجوقیان تمایل داشت، بر این شهرتسلط یافت[۳] و خطبه به نام خلیفهٔ عباسی خواند.[۴] جلال‌الملک نتوانست جبله را باز پس‌گیرد، به دلیل آنکه جبله تحت تابعیت سلجوقیان قرار گرفته بود.[۵]

در ابتدای حکومت فخرالملک شهر جبله مورد هجوم صلیبیون قرار گرفت.[۶] ابن‌صلیحه، حاکم جبله از سلجوقیان استمداد جست. از این رو در سال ۴۹۲ق ابن‌صلیحه شهر را به

---

۱ عبده‌قاسم‌قاسم(۱۴۱۰ق)، *ماهیة الحروب الصلیبیة، الایدیولوجیه، الدوافع، النتائج*، کویت: [بی‌نا]: ص۹۴.
Gibb, Hamilton, A.R. and Bowen(1962), *Harold. Islamic Society and the west:A Study of the Impact of Western Civilization on Moslem Culture in the Near East. Oxford*, England. 1969. 2vols.p.178.

۲ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۳۹.

۳ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۳۱۰. برخی از محققین جدید معتقدند که ابن‌صلیحه در زمان فخرالملک از اطاعت بنی‌عمار خارج شده است. هاشم عثمان(۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م)، *تاریخ الشیعة فی ساحل بلاد الشام الشمالی*، بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات. صص۵۳-۵۴.

۴ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۳۱۰.

۵ همان، ج۱۰، ص۳۱۰.

۶ همان، ج۱۰، صص۳۱۰-۳۱۱.

دقاق‌بن‌تتش و بوری[۱] نمایندگان طغتکین، حاکم سلجوقی دمشق تحویل داد.[۲] با توجه بـه ظلـم دقاق به اهالی جبله، بزرگان این شهر از فخرالملک درخواست کمـک نمودنـد. فخرالملـک که شرایط را برای بازپس‌گیری جبله مناسب دید، بر سپاه بوری یورش برد و وی را شکسـت داد. فخرالملک با بوری به مهربانی رفتار کرد و او را به دمشق نزد طغتکـین فرسـتاد و علـت فتح جبله را جلوگیری از تصرف آن توسط صلیبیون بیان کرد.[۳] این اقدام فخرالملـک نشـان‌دهنده درایت و تدبیر او است؛ زیرا فخرالملک برای برخـورد بـا صـلیبیون بـه کمـک‌هـای طغتکین نیاز داشت. بدین‌ترتیب بار دیگر جبله در سال ۴۹۴ق به قلمرو بنی‌عمار اضافه شد.[۴]

حمله صلیبیون در سال ۴۹۱ق به بلاد شام رسید. حملات آنـان بعـد از فـتح انطاکیـه بـه دو بخش تقسیم شد: ۱. لشکرکشی به نواحی شرقی آسیای‌صغیر. ۲. لشکرکشی به سوی بیت‌المقدس.

**شهرهای ساحلی شام**

صلیبیون طی چهار حمله به طرابلس، حکومت بنی‌عمار را از پـای درآوردنـد. در حمـلات اولیهٔ صلیبیون به رهبری رمون[۵] به سرزمین‌های شام، فخرالملک احساس خطر نمود. اقدام اولیه وی در برابر صلیبیون، اعزام نمایندگانی به سوی آنان برای جلوگیری از جنگ بود. فخرالملـک

---

۱ پسر طغتکین.
۲ سبط‌بن‌جوزی، مرآةالزمان، ج۱۲، ص۲۴۳.
۳ ابن‌قلانسی، صص۱۳۹-۱۴۰؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۳۱۲.
۴ سبط‌بن‌جوزی، همان، ج۱۲، ص۲۴۳.

5 Raymond.

در این مرحله تمایل خود را برای عبور صلیبیون از طرابلس و برافراشتن پرچم آنـان نشـان داد و معاهده‌ای بسته شد.[۱] اما رمون به عرقه و طرطوس کـه در قلمـرو بنـی‌عمـار بـود، هجـوم بـرد. فخرالملک برای جلوگیری از تهاجم صلیبیون به طرابلس هدایایی را برای رمون فرستاد.[۲]

فخرالملک در اواخر ۴۹۴ق از بالدوین،[۳] امیر صـلیبی رُهـا در طـرابلس اسـتقبال کـرد و آمادگی خود را برای ارائه اطلاعات لازم از تحرکات دقـاق‌بـن‌تـتش، حـاکم دمشـق، اعـلام داشت.[۴] سیاست فخرالملک در این مرحله سیاست مدارا با صلیبیون اسـت، تـا از ایـن طریـق بتواند حکومت خود را حفظ نماید. وی با دادن هدایا، اظهار تمایـل بـه اطاعـت از صـلیبیون سعی در دور کردن آنان از طرابلس داشت.

دومین حملهٔ صلیبیون به طرابلس، با تصمیم رمون برای تأسیس امارتی مستقل در شمال شـام آغاز گردید. بدین‌منظور وی طرطوس را فتح کرد و مصمم شد طرابلس را به مرکز امارت خـود مبدل سازد. فرماندهٔ صلیبی در رجب ۴۹۵ق طـرابلس را محاصـره کـرد.[۵] ازایـن‌رو فخرالملـک تصمیم گرفت با تشکیل پیمانی از میان دولت‌های مسلمان برای رویارویی با رمون آماده شود.

بدین‌منظور فخرالملک از حاکم حمص، یاخز و حاکم دمشق، دقاق‌بن‌تتش استمداد جست. طبق نوشتهٔ ابن‌اثیر، فخرالملک به آنان گفت: «صواب آن است که هر چه زودتـر بـا رمـون مقابله شود، چرا که با این شمار نیرو به ما نزدیک است».[۶] آنان اجابت کردند؛ امـا سـپاهیان دمشق و حمص در نبرد با صلیبیون شکست خوردند. رمون با سـپاهیانش بـه سـوی طـرابلس حمله کرد. اما با بی‌نتیجه بودن جنگ، رمـون بـا فخرالملـک سـازش کـرد و بـه طرطـوس بازگشت.[۷] در این مرحله امیر بنی عمار متوجه شـد کـه ابـزار سیاسـی و سیاسـت مـدارا بـا صلیبیون کارساز نیست و باید با قدرت و نیروی نظامی با آنان برخورد کرد.

رمون با استقرار در طرطوس، هم‌چنان به تصرف طرابلس می‌اندیشید. ازاین رو رمون ایـن شهر را در محاصرهٔ اقتصادی قرار داد. فخرالملک برای نجات از این وضع به حملات دریـایی به شهرهای تحت سلطه صلیبیون دست زد.[۸] عملکرد رمون حاکی از آن است که وی متوجه

---

۱ *اعمال‌الفرنجه و حجاج‌بیت المقدس*(۱۹۵۸م)، ترجمهٔ حسن حبشی، قاهره: [بی‌نا]، صص۱۱۲-۱۱۳.
۲ همان، ص۱۰۶؛ المقریزی، همان، ج۳، ص۲۳.
3 Baldwin
۴ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۳۸.
۵ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۳۴۴؛ ابن‌قلانسی، همان، صص۱۴۰-۱۴۱.
۶ ابن اثیر، ج۱۰، ص۳۴۴.
۷ همان، ج۱۰، ص۳۴۴.
۸ همان، ج۱۰، صص۳۶۵-۳۶۶.

گردید به راحتی نمی‌تواند طرابلس را تصرف نماید. بدین ترتیب دست به محاصره اقتصادی زد تا بتواند طرابلس را از این طریق به زانو درآورد.

سومین حملهٔ صلیبیون به طرابلس در سال ۴۹۷ق با در اختیار گرفتن کشتی‌های اروپایی آغاز گردید. بدین ترتیب از راه دریا و خشکی طرابلس را در محاصره قرار داد؛ اما موفق به تسخیر آن شهر نشد.[۱] رمون از آنجایی که قادر به محاصرهٔ دریایی طرابلس از غرب نبود، با تأسیس دژی مستحکم بر فراز تپهٔ غربی مشرف به رود شهر طرابلس، پایگاه نظامی برتری کسب نمود؛[۲] اما فخرالملک با بهره گیری از فرصت و در حمله‌ای ناگهانی، به دژ هجوم برده و رمون را به قتل رساند.[۳]

چهارمین حملهٔ صلیبیون به طرابلس بعد از مرگ رمون آغاز گردید. پس از رمون، ویلیام جوردن[۴] جانشین وی شد. جوردن شدیدتر از رمون به محاصره طرابلس ادامه داد و به مرمت دژ صلیبی پرداخت. ویلیام جوردن از بیزانس کمک‌های فراوانی دریافت کرد.[۵] از جمله کمک‌های بیزانس به جوردن، ارسال ناوگان دریایی از طریق قبرس بود[۶] که فخرالملک برای جلوگیری از ورود این ناوگان به ساحل طرابلس با ناوگان دریایی‌اش به جنگ پرداخت. در این جنگ دریایی فخرالملک پیروز شد و کشتی‌ها به تسخیر امیر بنی‌عمار درآمد.[۷]

امیر بنی‌عمار در این زمان بار دیگر از حاکمان مسلمان درخواست کمک کرد. وی از سکمان‌بن‌ارتق حاکم دیار بکر، جکرمش حاکم موصل و فخرالملک رضوان، حاکم حلب استمداد جست.[۸] درخواست کمک فخرالملک از این حاکمان به دلیل عدم همکاری آنان به نتیجه نرسید.[۹] با طولانی شدن محاصرهٔ طرابلس و عدم کمک از سوی حاکمان منطقه، فخرالملک تصمیم گرفت خود به بغداد رود و از سلطان محمد سلجوقی درخواست کمک نماید.[۱۰]

---

۱ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۴۳.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، صص۴۱۱-۴۱۲.

۳ ابن‌قلانسی، همان،ص۱۴۶؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۱۲؛ ابن‌تغری‌بردی، همان، ج۵، ص۱۷۸.

4 William Jordan.

۵ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۱۲.

6 Husseya,J.M(1966),*The Cambridge Medieval History*, volume IV. The Byzantine Empire part 1, New York, Cambridge University, press 1966.p.151.

۷ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۱۲.

۸ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۴۶.

۹ همان، ص۱۵۶.

۱۰ المقریزی، همان، ج۳، ص۳۸.

فخرالملک دوبار از حکومت‌های همجوار در منطقهٔ شام استمداد جست که هر دو بار بی نتیجه بود. بدین ترتیب فخرالملک به دنبال کمک از سوی قدرتی برتر بود. نکتهٔ قابل توجه این است که فخرالملک از فاطمیان درخواست یاری نکرد؛ زیرا آگاه بود در صورت درخواست کمک، باید خود را زیر لواء فاطمیان برده و استقلال خود را نادیده گیرد. اثبات این گواه، حملهٔ فاطمیان به طرابلس در سال ۴۹۶ق است.

لازم به یاد آوری است، همزمان با محاصرهٔ اقتصادی رمون، طرابلس به محاصرهٔ نظامی فاطمیان در آمد. فاطمیان در پی انتقام شکست از صلیبیون، آنان را در سال ۴۹۶ق در نزدیکی رمله شکست دادند.[۱] فاطمیان پس‌ازاین پیروزی، با آگاهی از محاصرهٔ اقتصادی طرابلس به سوی آن شهر گسیل شدند و از فخرالملک خواستند شهر را به آنان تسلیم کند. اما فخرالملک خواستهٔ آنان را نپذیرفت و دستور داد دروازه‌های شهر را به روی آنان ببندند. پس از مدتی سپاهیان فاطمی تحت فشار صلیبیون مجبور به ترک منطقه شدند.[۲] فخرالملک به دلیل آن که از عملکرد فاطمیان مطلع بود، همان طور که در سطور گذشته ذکر گردید دست به دامان سلجوقیان گردید.

امیر بنی‌عمار قبل از خروج از طرابلس به سوی بغداد اقداماتی انجام داد. از یک سو حقوق مدافعان شهر را پیشاپیش پرداخت نمود تا از شورش احتمالی آنان بکاهد. از سوی‌دیگر پسرعمویش، ابوالمناقب‌محمد ملقب به شمس‌الملک را به عنوان جانشین خود انتخاب نمود.[۳] فخرالملک از مسیر دریایی به بیروت و از آنجا عازم دمشق شد.[۴] زمانی‌که فخرالملک در دمشق بود، مطلع گردید که شمس‌الملک به وی خیانت کرده است. فخرالملک دستور داد او را دستگیر کنند.[۵] در بغداد سلطان محمد سلجوقی و خلیفهٔ عباسی به شایستگی از فخرالملک استقبال کردند.[۶] فخرالملک از اوضاع آشفتهٔ طرابلس، طولانی شدن محاصره و قدرت روزافزون صلیبیون توضیحاتی به آنان داد. امیر بنی عمار از سلطان درخواست کمک کرد و او قول مساعدت داد.[۷] فخرالملک پنج ماه در بغداد اقامت نمود و زمانی که از تحقق

---

۱ المقریزی، ج۳، ص۳۲.
۲ همان، ج۳، ص۴۲.
۳ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۶۰.
۴ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۲.
۵ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۶۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۲.
۶ ابن‌عدیم، همان، ج۸، ص۱۴۰؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۲.
۷ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۲.

وعده‌های سلطان سلجوقی ناامید شد، بازگشت.[۱] او در سال ۵۰۲ق به دمشق رسید و از استیلای فاطمیان بر طرابلس باخبر شد.[۲]

همان‌طور که ذکر گردید، شمس‌الملک در غیاب فخرالملک به وی خیانت کرد و از امیر افضل‌بن‌بدرالجمالی، امیرالجیوش فاطمی خواست به طرابلس بیاید و شهر را تسلیم او کند. اما فخرالملک که در این زمان در دمشق بود دستور دستگیری وی را داد.[۳] پس از آن شورشی داخلی از سوی اهالی طرابلس علیه حکومت بنی‌عمار صورت گرفت. می‌توان از جمله دلایل شورش را استمداد جستن امیر بنی عمار از حکومتی سنی مذهب به جای فاطمیان شیعه مذهب و محاصرهٔ اقتصادی طرابلس دانست. شرف‌الدوله‌بن‌ابی‌الطیب به درخواست اهالی طرابلس از سوی فاطمیان وارد شهر گردید و خانوادهٔ فخرالملک را به مصر فرستاد.[۴] با این اقدام، فخرالملک دیگر قادر به بازگشت به طرابلس نبود؛ به ویژه آن که عرقه در سال ۵۰۲ به دست فرمانده صلیبی، جوردن تسخیر شده بود.[۵]

چندی بعد طرابلس در سال ۵۰۲ق به محاصرهٔ نیروهای متحد صلیبی که شامل نیروهای بالدوین، برتراند[۶] پسر رمون و جوردن بود، درآمد.[۷] اهالی طرابلس از فاطمیان درخواست کمک در برابر صلیبیون نمودند؛ اما این درخواست به نتیجه‌ای نرسید. در چنین اوضاعی شرف‌الدولةبن-ابی‌الطیب، والی فاطمی طرابلس، از صلیبیون امان خواست و از شهر خارج و راهی دمشق شد.[۸]

بعد از خروج وی از طرابلس، صلیبیون وارد شهر شدند و دست به قتل و کشتار زدند.[۹] مورخان در تعیین تاریخ دقیق سقوط طرابلس دچار اختلاف هستند. برخی سقوط طرابلس را سال ۵۰۲ق [۱۰] و برخی دیگر سال ۵۰۳ق[۱۱] می‌دانند. سقوط طرابلس در سرنوشت شهرهای

---

۱ ابن‌کثیر، همان، ج۱۲، ص۱۶۹.

۲ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۳؛ ابن‌فرات، همان، ج۸، ص۷۸.

۳ ابن‌قلانسی، همان، صص۱۶۰-۱۶۱.

۴ همان، صص۱۶۰-۱۶۱؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۵۴؛ ابن‌میسر، همان، ج۲، ص۴۳؛
Philip K.Hitti(1962), *Lebanon in History, from the earliest times to the present*, London: p.289.

۵ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۶۲؛ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۶۸.

6 Bertrand.

۷ ذهبی(۱۹۷۴م)، *دول‌الاسلام*، تحقیق فهیم شلتوت و محمد مصطفی ابراهیم، ج۲، قاهره: الهیئة العامة للکتاب، ص۳۲.

۸ ابن‌اثیر، همان، ج۱۰، ص۴۷۶؛ ابوالفداء، همان، ج۲، ص۲۲۴.

۹ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۶۲؛ مقریزی، همان، ج۳، ص۴۴.

۱۰ ابن‌قلانسی، همان، ص۱۶۳؛ ابن‌شداد، همان، ج۲، ص۱۱۱؛ ابن‌تغری‌بردی، همان، ج۲، ص۱۸۰؛ مقریزی، همان، ج۳، ص۴۴.

۱۱ ابن‌جوزی، همان، ج۹، ص۱۶۳؛ ابن‌خلکان، همان، ج۱، ص۱۴۴؛ ابوالفداء، همان، ج۲، ص۲۲۴.

دیگر شام تأثیر به‌سزایی داشت. طرابلس به مدت ده سال در برابر صلیبیون مقاومت کرد و بعد از سقوط این شهر، شهرهای ساحلی شام یکی پس از دیگری به تسخیر صلیبیون درآمد.

## نتیجه‌گیری

حکومت بنی‌عمار در شام برای جهان اسلام در سدهٔ پنجم هجری از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. شهر طرابلس در حوزهٔ شرقی دریای مدیترانه برای فاطمیان از سویی و برای سلجوقیان از سویی دیگر از موقعیت خاصی برخوردار بود. امیران بنی‌عمار با اتخاذ سیاستی متناسب و کارآمد در قبال سلجوقیان و فاطمیان موفق شدند حکومت خود را تأسیس و به مدت چهار دهه تداوم بخشند. این آگاهی سیاسی در تعامل‌های آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های همجوار در شام آشکار است.

حکومت بنی‌عمار در ابتدا سعی داشت با سیاست مدارا با صلیبیون برخورد نماید. اما در حملات بعدی صلیبیون، سیاست امیر بنی‌عمار تغییر کرد. تشکیل پیمان میان حکومت‌های مسلمان، تقویت نیروی نظامی و تدابیر سیاسی و اقتصادی از جمله اقدامات بعدی امیر بنی‌عمار در قبال صلیبیون بود. تفرقه میان دولت‌های مسلمان منطقه، عدم‌حمایت سلجوقیان از ایشان، شورش داخلی علیه دولت بنی‌عمار و تمایل اهالی طرابلس به فاطمیان از عوامل سقوط این دولت در برابر صلیبیون است. سقوط طرابلس نتایج و پیامدهای مهمی برای جهان اسلام در پی داشت. بدین ترتیب سد دفاعی مسلمانان در شام در برابر صلیبیون شکسته شد.

## منابع:


- ابن‌اثیر، علی‌بن‌محمد(۱۳۹۹ق/۱۹۳۲م)، *الکامل فی التاریخ*، ج۹ و ۱۰، بیروت: دارصادر.
- ابن‌تغری‌بردی(۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهره*، قاهرة: وزارة الثقافة و الارشاد القومی.
- ابن‌جوزی، ابوالفرج(۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌حیوس(۱۹۵۱م)، *دیوان ابن‌حیوس*، تحقیق خلیل‌مردم‌بک، دمشق: المجمع‌العلمی.
- ابن‌خلدون(۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، *تاریخ ابن‌خلدون المُسمّی دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت: تصحیح خلیل شحاده و سهیل زکار.
- ابن‌خلکان، ابوالعباس‌شمس‌الدین‌احمد(۱۹۴۸م)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق، محمدمحی‌الدین عبدالحمید، قاهره: [بی‌نا].
- ابن‌خیاط(۱۹۵۷م)، *دیوان ابن‌خیاط*، تحقیق خلیل مردم بک، دمشق: المجمع‌العلمی‌العربی.

- ابن‌شداد، عزالدین ابوعبدالله محمدبن علی (۱۹۶۲م)، *الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام و الجزیرة*، تحقیق سامی دهّان، دمشق: [بی‌نا].
- ابن‌صیرفی (۱۹۲۴م)، *الاشارة الی من نال الوزاره*، قاهره: چاپ عبدالله مخلص.
- ابن‌عدیم، کمال‌الدین ابوالقاسم عمربن احمد (۱۹۷۶م)، *بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا: جمعیة‌التاریخیة-الترکیة، تصحیح علی سویم.
- ابن‌عدیم حلبی (۱۹۶۸-۱۹۴۵م)، *زبدة‌الحلب فی کتاب حلب*، تحقیق سامی دهّان، دمشق: معهد الفرنسی.
- ابن‌عساکر، ابوالحسن علی‌بن حسن (۱۳۳۱ق)، *تهذیب‌التاریخ‌الکبیر*، تحقیق عبدالقادر بدران، دمشق: [بی‌نا].
- ـــــــ [بی‌تا]، *تاریخ مدینة دمشق*، دمشق: مجمع العلمی.
- ابن‌فرات (۱۹۳۹م)، *تاریخ*، بیروت: چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین.
- ابن‌قلانسی، ابویعلی حمزه (۱۹۰۸م)، *ذیل تاریخ دمشق*. تحقیق آمدروز، بیروت: المکتبة‌الکاتولیکیة.
- ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل‌بن عمر (۱۹۶۶م)، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت: [بی‌نا].
- ابن‌میسر، محمدبن علی‌بن یوسف‌بن جلب (۱۹۱۹م)، *اخبار مصر*، تصحیح هنری ماسه، قاهره: المعهدالعلمی‌الفرنسی.
- ابن‌واصل، جمال‌الدین محمدبن سالم (۱۹۶۰م)، *مفرّج‌الکروب فی‌اخبار بنی‌ایوب*، تحقیق جمال‌الدین شیّال، قاهره: [بی‌نا].
- ابوالفداء، اسماعیل‌بن علی (۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م)، *المختصر فی اخبار البشر: تاریخ ابوالفداء*، بیروت: [بی‌نا].
- ابوشجاع رودراوری، محمدبن حسین (۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م)، *ذیل تاریخ تجارت الامم*، مصر: تصحیح آمدروز.
- *اعمال‌الفرنجه و حجاج بیت‌المقدس* (۱۹۵۸م)، ترجمهٔ حسن حبشی، قاهره: [بی‌نا].
- -انطاکی، یحیی‌بن سعید (۱۹۹۰م)، *تاریخ انطاکی (معروف به صلهٔ تاریخ اوتیخا)*، تحقیق عمر تدمری، طرابلس: [بی‌نا].
- تدمری، عمرعبدالسلام (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م)، *تاریخ طرابلس السیاسی و الحضاری عبر العصور*، بیروت، [بی‌نا].
- حتی، فیلیپ خوری (۱۹۶۱م)، *تاریخ العرب (المطول)*، ترجمهٔ جرائیل جبور، بیروت: [بی‌نا].
- دایرة‌المعارف‌الاسلامیة [بی‌تا]، مدخل بنی‌عمار، ترجمهٔ جمعی از اساتید، قاهره: [بی‌نا].
- ذهبی، محمدبن احمد (۱۹۷۴م)، *دول‌الاسلام*، تحقیق فهیم شلتوت و محمد مصطفی ابراهیم، قاهره: الهیئة العامة للکتاب.
- ـــــ [بی‌تا]، *تاریخ‌الاسلام و طبقات‌المشاهیر و الاعلام*، قاهره: تصحیح حسام‌الدین قدسی.
- سبط ابن‌جوزی، ابوالمظفر (۱۳۵۱ق)، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*. حیدرآباد دکن: [بی‌نا].
- طباخ حلبی، محمد راغب (۱۳۴۲ق/۱۹۲۳م)، *اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء*، تصحیح محمد کمال، حلب: دارالقلم العربی.
- عثمان، هاشم (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، *تاریخ الشیعه فی ساحل بلاد الشام الشمالی*، بیروت: موسسة‌الاعلمی‌للمطبوعات.
- قاسم، عبده قاسم (۱۴۱۰ق)، *ماهیة‌الحروب الصلیبة، الایدیولوجیة، الدوافع، النتائج*، کویت: [بی‌نا].

- قلقشندی، بوالعباس احمدبن علی(۱۹۶۴م)، *مآثرالأنافة فی معالم الخلافة*، تحقیق عبدالستار احمد فرّاج، کویت: [بی‌نا].
- کردعلی، محمد(۱۳۴۳ق)، *خطط الشام*، دمشق: [بی‌نا].
- ماجد، عبدالمنعم(۱۹۶۰م)، *الامام المستنصر بالله الفاطمی*، قاهره: [بی‌نا].
- مقریزی، تقی‌الدین احمدبن علی(۱۳۷۸ق/ ۱۹۶۷م)، *إتعاظ الحنفاء بأخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*، قاهره: وزارة الاوقاف.

## انگلیسی

- Gibb, Hamilton(1972), A.R. and Bowen, Harold. *Islamic Society and the west:A Study of the Impact of Western Civilization on Moslem Culture in the Near East*. Oxford, England, 2vols.
- Hitti, Philip K(1962), *Lebanon in History, from the earliest times to the present*, Macmillan & Coltd, London.
- Hitti, Philip K(1959), *Syria, A Short History*, Macmillan & Coltd, London.
- Husseya,J.M(1966), *The Cambridge Medieval History*, volume IV. The Byzantine Empire part 1, New York, Cambridge University, press.
- Wittek,p.(1996), The Rise of the Ottoman Empire, Great Britain.